

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم • تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۱ • ۲۵ شعبان ۱۴۴۴ • ۱۶ مارس ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۲۰ • ۸ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۱۲ • اذان مغرب ۱۸:۳۲
اذان صبح فردا ۴:۴۷ • طلوع آفتاب ۶:۱۰

شرق

دیالوگ روز

مدمن - ماتیو واینر- ۲۰۰۷

دان درپیر (جان هام):

شما خرت و برت نمی‌خرید چون به آن نیاز دارید...

شما می‌خرید تا «خوشبختی» را احساس کنید؛ ولی خوشبختی چه؟

فقط یک «لحظه» است قبل از اینکه بیشتر بخواهید...

خانه‌حجاریان



بابک زمانی نورولوزیست

تور س‌عید حجاریان ۲۳ سال پیش در چنین روزهایی تهران را تکان داد. این واقعه از خاطره ملی ما پاک نخواهد شد؛ گلوله‌ای که اصلاحات را کشت اما اصلاح‌طلب را زنده و مجروح برجا گذاشت. خصومت خود با فکر اصلاح را به نمایش گذاشت و امید اصلاح را در اذهان خشکاند. ضاربیه که مجازات نشد بلکه ارتقای اداری پیدا کرد! و سیاست‌مداری که از کار افتاد. دولتی که سکه یک پول شد. اجرای بی‌نقص سیاست توسط اقلیتی بسیار محدود اما منسجم و آگاه علیه اکثریتی بسیار وسیع اما ناکاه و مشتت، با استفاده از تمامی ابزارهای سیاست و نه اخلاق! همه و همه نمونه‌های روشنی و واضحی به دست می‌دهند که یک معلم سیاست می‌تواند در کلاس درس خود در کنار برخی موارد جهانی از آنها هم مثال بزند. اما آنچه غرض این یادداشت است، اشاره به جنبه‌های دیگری از واقعه حجاریان، بیشتر در ارتباط با درمان و به‌ویژه روش توان‌بخشی او و ارتباط آن با شیوه اصلاح‌طلبی است. قضیه حجاریان یک مثال بارز در اهمیت توان‌بخشی است. هنوز هم در عرصه عمومی توان‌بخشی آن‌طورکه باید و شاید جا نیفتاده است. توان‌بخشی تکنولوژی مدرن رو به رشدی است که بر ممارست و فعالیت فیزیکی هوشمندانه استوار است. سیستم اعصاب حتی در سنین

نشانه‌خوانی

به روزنه‌ای کوچک هم‌نوا شویم



پویا نعمت‌اللهی *

رسم است که در پایان هر سال، برآوردی از شرایط عمومی سال بعد با نگاهی بر آنچه سه سال قبل رخ داده به دست دهند. در شرایطی که اوضاع کشور هر لحظه به شکلی تازه درمی‌آید،

چگونه می‌توان وضعیت اقتصاد، سیاست، اجتماع و فرهنگ را در قالب هنجارهای متعارف، ایمن، منظم و قابل پیش‌بینی متصور بود؟ آیا سناریوهای تثبیت‌شده‌ای هستند که نشان دهند آنچه مردم و دولت باید متقابلاً انجام دهند یا انجام خواهند داد، چه مؤلفه‌هایی دارد؟

در واقع یکی از مشخصه‌های مدیریت مطلوب آن است که احساس امنیت مبتنی بر پیش‌بینی‌پذیری ایجاد کنند. کنش متقابل اجتماعی پیش‌بینی‌پذیر است؛ یعنی رفتارهای خودانگیخته و پیش‌بینی‌ناپذیر از طریق نهادی‌شدن، جای خود را به رفتار نظام‌یافته و پیش‌بینی‌پذیر می‌دهد. با این حال رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفته اگر حتی همه‌چیز خوب پیش برود، آنگاه سال آینده باید پیش‌بینی تورم بالایی داشته باشیم. این گزاره را می‌توان چکیده احوالات ایرانی‌ها در سال جاری و همچنین عصاره احوالات ما در سال آینده دانست. باید از این اظهارنظر استقبال کرد، چراکه تکلیف خیلی چیزها را از الان مشخص کرده است. در اینجا سه حوزه تورم، معیشت و اینترنت به عنوان نمادی از زیست انسان ایرانی در سه ساحت فرد، خانواده و ارتباطات جمعی بررسی می‌شوند.

تورم

ایمن پدیده شیوم اقتصادی، تمامی ابعاد فعالیت‌های بخش خصوصی و عمومی را متأثر می‌کند و تأثیر نامطلوب خود را به صورت ناکارایی در جریان‌های اصلی اقتصاد بروز می‌دهد.

اهمیت مقوله تورم آن‌چنان است که در عمل بیشتر وقت، انرژی و اهتمام اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصادی و سیاسی را به خود اختصاص داده تا شاید بتوان از این رهگذر، درباره تورم بی‌وقفه و لجام‌گسیخته چاره‌اندیشی کرد. تا زمانی که ساختارهای بحران‌زا و تورم‌آفرین وجود دارند، همواره این تلاش‌ها ادامه داشته و البته کمتر هم به نتیجه رسیده است.

برای کنترل تورم باید سیاست‌های پولی و مالی همرستا و تقویت‌کننده باشند و به صورت هم‌زمان تورم ناشی از فشار تقاضا و تورم ناشی از طرف عرضه را کنترل کند. این اهداف معمولاً با هدف رشد اقتصادی و تقویت بازار کار و اشتغال در تعارض هستند؛ ازاین‌رو سیاست‌گذار باید بین این اهداف متناقض دست به یک بازی «بده-بستان» بزند و به ترکیب مناسبی از اشتغال و تورم در سطح کل اقتصاد برسد. سیاست‌های اتخاذشده در بودجه سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ عمدتاً با

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم • تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۱ • ۲۵ شعبان ۱۴۴۴ • ۱۶ مارس ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۲۰ • ۸ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۱۲ • اذان مغرب ۱۸:۳۲
اذان صبح فردا ۴:۴۷ • طلوع آفتاب ۶:۱۰

کشور به پرواز درآمده بود هم می‌مرد. پزشکان حالا نه‌فقط برای جان یک انسان که برای زنده‌ماندن امید در دل‌هایشان تلاش می‌کردند. وقتی جان او از خطر رست، تیم معالج به این نتیجه رسید که در ادامه بهترین راه‌حل توان‌بخشی است. آنچه از خارج وارد کردیم جراح یا نوعی وسیله خاص نبود، یک متخصص توان‌بخشی بود؛ یعنی طبیعی که باید تصمیم بگیرد از کدام روش‌های فیزیکی و چگونه باید استفاده کرد و بر انجام آن نظارت کند. این تنها چیزی بود که وجود نداشت. متخصصان توان‌بخشی اگرچه وجود داشتند ولی جایگاه ایشان در سیستم توان‌بخشی روشن نبود. سیاست‌مدار اصلاح‌طلب در زندگی خصوصی خود که حالا بیش از هر چیز دیگری عمومی شده بود، پیکاری خوش‌بینانه خستگی‌ناپذیر و از همه حیث نمونه‌وار در پیش گرفت. کار توان‌بخشی را وظیفه دشوار پیش‌رویش تلقی کرد و با جدیت ادامه داد و همه شاهد بودند بیماری که تحت اصابت گلوله به محل تلاقی مغز و نخاع -که حساس‌ترین بخش سیستم عصبی است- قرار گرفته بود، رفته‌رفته توانایی‌های خود را بازیافت و اگرچه اختلال تکلم و حرکتی باقی ماند ولی از نظر شناختی با خلصی از شر حرکت، می‌گویند حتی بهتر شده است. در سیاست همین رویه با زرمزه «شب دراز است و قلندر بیدار» نمود پیدا کرد و حتی یک بار دیگر جوانان سیاست‌مدار گوزنشت اما نازنین ایثالیایی کار به محبس کشید. هماهنگی رفتار سیاسی با رفتار بیماری نشان از شخصیتی سترگ آکنده از صداقت می‌داد. با خوش‌بینی‌ای عمیق و قادر به هر تجدیدنظری در اصلاح تفکرات.

توان‌بخشی هنوز آن‌طورکه باید و شاید در کشور ما

شناخته‌شده نیست، هنوز از عمق وجود باور نکرده‌ایم که سیستم اعصاب مرکزی حتی در سنین بالا هم توان بازسازی و ترمیم دارد و تنها محرک این ترمیم چیزی نیست جز حرکت و تفکر که اگر هوشمندانه و منظم باشد، باعث تغییر حتی در شکل سلول‌های مغزی می‌شود. مرکزی برای توان‌بخشی نداریم. بیماران ناتوان مغز و اعصاب، سکنه مغزی و سایر بیماری‌ها را مستقیم از بیمارستان به خانه می‌فرستیم، حال آنکه در همه جای دنیا مرکز واسطی بین خانه و بیمارستان به نام مرکز توان‌بخشی وجود دارد. بیماران و خانواده‌هایشان رنج‌های فراوان در مراقبت از بیماران ناتوان در خانه‌های تنگ با امکانات محدود می‌برند. جامعه و مردم هزینه‌هایی چندبرابری برای نبود امکانات توان‌بخشی متحمل می‌شوند.

باید به آقا سعید خسته نباشید گفت. اگر تلاش‌های اصلاح‌طلبانه سیاسی ظاهراً ناکام مانده است، اگر حالا به زحمت می‌توان حتی کلمه اصلاح را بر زبان آورد اما تلاش او در شیوه مقابله‌اش با ناتوانی‌ای که به آن مبتلا شد و رویارویی صورانه‌اش با تقدیری که از لوله تفنگ شلیک شده بود، الگوی موفقی از تغییرات جزئی و واقعی که همان الگوی تلاش‌های مسالمت‌آمیز اجتماعی است، ارائه داد. این رفتار جایی در فرهنگ ما باز کرد و گامی جلوتر از شتابزدگی چریکی در سیاست و کیمیاگری و معجزه‌طلبی در کار درمان پیش رفت. آیا امکاناتی که سعید حجاریان دریافت کرد، مدل و آموژه‌ای برای همه ناتوانان ایجاد خواهد کرد؟ چه کسی برای این بیماران «خانه حجاریان» خواهد ساخت، مرکز توان‌بخشی‌ای که با نام او یادآور تأثیر بی‌نظیر توان‌بخشی باشد.

اینترنت

امسال و به دنبال ماجراهای یاییز، واتس‌آپ و اینستاگرام به جمع اپلیکیشن‌های فیلترشده پیوستند. وزارت ارتباطات اعلام کرده این اقدام خارج از خیار اختیارات آنها بوده است. اما در عین حال برخی مراجع دولتی اصرار دارند مردم را با وعده رفع فیلتر سرکار بگذارند. مشکلات و ضررهای ناشی از محدودیت دسترسی به اینترنت برای کسب‌وکارهای مجازی به‌هیچ‌روی برای دولت اهمیت ندارد. از منظر اینها، مردم نباید کسب‌وکار خودشان را بر محیطی که پایبند قانون نیست، بنا می‌کردند. منظور از قانون نیز اجازه دسترسی به هرگونه مبادله پیام در این بسترهاست. در بعد کلان نیز اخیراً اپراتورهای تلفن همراه و اینترنت اعلام کرده‌اند در این مدت خسارت دیده‌اند و حتی طبق برخی برآوردها خطر ورشکستگی برخی از آنها را تهدید می‌کند. اما مسئولان به‌هیچ‌وجه کاهش درآمد اپراتورها یا بحث ورشکستگی و زیان‌دهی اپراتورها را قبول ندارند.

با این اوصاف واقع امر آن است که در سال آینده نیز بعید خواهد بود گشایشی در وضعیت فیلتراسیون حادث شود. دولت چشم به پیام‌رسان‌های داخلی داشته است و آنها را برای کاربران ایرانی کافی و وافی می‌داند. در عین حال بسته حمایتی برای کسب‌وکارهایی که به پلتفرم‌هایی داخلی مهاجرت کنند، تمهید شده است.

با امان‌نظر به اظهارات رئیس کمیسیون بودجه مجلس، حتی اگر همه‌چیز خوب پیش برود، باید منتظر گرانی اینترنت هم باشیم. هم‌زمان سرعت اینترنت فقط برای گرگانه‌های داخلی مناسب است و دسترسی به همه سایت‌ها به همان راحتی و سرعت و کیفیت فراهم نیست. این وضعیت در سال آینده هم تداوم خواهد داشت و انسدادهای کنونی به قوت خود باقی خواهد ماند. به احتمال زیاد در سال آینده تکلیف «صیان» نیز مشخص خواهد شد. این طرح که مجلس و دولت حاضر به قبول مسئولیت تبعات آن نبودند، مدتی در محاق قرار داشت اما به نظر می‌رسد به جای اجرای یک‌باره آن، تصمیم بر اجرای مرحله‌ای آن است. به همین خاطر اطلاع‌رسانی آن عمداً به صورت مشکوш صورت می‌گیرد تا مخاطب را سردرگم کند. برای مثال یک «پلیس خوب» اعلام می‌کند که طرح مذکور از دستور کار مجلس خارج شده و «پلیس بد» ماجرا اعلام می‌کند که طرح صیان تصویب شده و به زودی به شورای نگهبان ارسال می‌شود.

و اما...

ولی این سال، هرچه که بود، از سر ما گذشت. می‌توان همان آرزوهای همیشگی را داشت و حتی به تحقق اندکی از آنها دل بست.

♦دکترای علوم ارتباطات اجتماعی



♦ مراسم سنتی قاشق زنی عصر سه‌شنبه آخر سال در مجموعه تاریخی تپه باستانی هگمتانه در همدان به صورت نمادین برگزار شد. عکس: مهدی کلوندی، فارس

یادداشت

«گزارش سانسوریک فیلم: جنوب شهرِ فرخ غفاری»؛ نوشته عباس بهارلو

پژوهشی غافلگیرکننده

بیش از دو سال کار برای ۱۷۵ صفحه متن مکتوب با نام مرموز و بازپرسانه «گزارش سانسوریک فیلم: جنوب شهرِ فرخ غفاری»، وقایع‌نگاری متکی به «داده‌محوری» عباس بهارلو شامل پیشگفتار، «داستان یک زندگی» شامل مرور بر جزئیات زندگی غفاری، «داستان یک سانسور» شامل شرحی دقیق و اسنادی بر نگارش فیلم‌نامه، ساخت و اکران و سانسور و نمایش مجدد «جنوب شهر» (در اکران دوم، رقابت در شهر)، نسخه‌ای ۲۱صفحه‌ای از طرح فیلم‌نامه «جنوب شهر» و در نهایت یک آلبوم عکس ۵۳صفحه‌ای شامل تصاویر کودکی و جوانی، نمایش‌ها، چند نامه، یک دست‌نویس تحقیق و عکسی از مزار فرخ غفاری است. بهارلو در دو فصل اصلی کتاب در ۱۶۹ صفحه، مجموعاً ۳۴۱ بار به ۱۶۸ منبع ارجاع می‌دهد تا هرگونه تردیدی درباره داده‌محوری تاریخ‌گرایانه کتاب را از میان ببرد. راهکار او برای ثبت منابع به متون دانشگاهی معاصر دو دهه اخیر نزدیک است؛ به این معنا که نام گوینده نقل‌قول مستقیم و سال ثبت آن را در انتهای گفته یا نوشته داخل پرازنز آورده و نشانی منابع را یک‌جا در انتهای کتاب آورده است. یافتن فنون استنتاج نویسنده در حرکت ماریچی‌اش میان منابع گوناگون چندان دشوار نیست. او مانند هر منتقد کلاسیک تاریخ‌گری معتقد به «زمان مستقیم»، از تولد فرخ غفاری آغاز می‌کند و هر بند را با یک رویداد تاریخی یا شخصی مؤثر بر زندگی او می‌آغازد و به مانند پیچ‌وخم رود کارون در جلگه خوزستان، راهبرد تاریخی خود را در هر نکته مرتبط و هر متن تاریخی قابل استناد جاری می‌کند و از آن می‌گذرد. به این اعتبار، تقریباً تمامی مراجع کارآمد برای نگارش این پرورنده جست‌وجو شده است. در یافتن منابع تاریخ‌نگاری، «تقریباً» نشانه اطمینان مشرف به یقین است که از سوبنی امید به همکاری آیندگان را در تکمیل متون زنده نگه می‌دارد و از دیگرسو به اعتبار پژوهش می‌افزاید. برای من که طی نزدیک به چهار دهه کار پروسواس بهارلو را از نقد و مقاله تا پژوهش و گفت‌وگو و مرجع سینمایی دنبال کرده‌ام، یافتن دو نکته تازه و غافل‌گیرکننده بود: نخست آنکه او -احتمالاً به دلیل سن‌وسال- در عین هم‌نوایی با ساختار معاصر پژوهش، دم به دم به خط و ربط استادان آغاز عصر پژوهش و پیگیران کارشان -از بدیع‌الزمان فروزان‌فر تا ایرج افشار، از جلال همایی و زریاب‌خویی تا زرین‌کوب و ذبیح‌الله صفا و دیگران- نزدیک تر می‌شود. این مراوده صرفاً نه از سر حرمت که گویی به قصد گرفتن خاک از گوهران گم‌شده تحقیق در سواد آبادی ادبیات است؛ یادآوری این دو نکته از یادرفته که اولاً هر رونویسی مجله‌ای پژوهش نیست و هر شاخ‌وشانه‌کشیدن و پاشنه بر زمین کوفتنی در شمار نقد و مقاله نمی‌آید. ثانیاً کار ادبیات در هر سطح گسترش واژگان است و نه محدود‌ساختن آن. در نتیجه، کاربرد واژگانی همچون «جزمیت»، «شورندگی»، «استبعاد» و «مطای» برای من نه ثقیل که یادآور صفات و مصادری در پست‌مو مانده است که گاه با نثر باری و روزنامه‌نگاری روزگار ما بیگانه می‌نماید. در وقت و جای نابه‌جایی که ماییم، هر واژه‌ای که در هر صد جمله یک بار خواننده متن را به یاد دهخدا و معین بیندازد، نه مایه دردرس که پیشنهاد ضمادی بر زخم ناسور نارسایی نوشتار است و نشان می‌دهد نویسنده بیش از گذشته از آزار «ادبیات بازار» در امان مانده است. در گزارش بهارلو، غفاری به مرور از سینمادوستی جوان و اهل سیاست به فیلم‌شناسی حرفه‌ای و اهل نقد، راه‌انداز بناهایی بی‌پشتوانه -چون کانون فیلم- و سپس کارگزاری امیدوار به یافتن استعداد و عبور از بحران بی‌پایان فرهنگ و هنر و پراندنش از روی مانع بوروکراسی به امید واهی دموکراسی تبدیل شده است. در این میان بیش از غفاری بازیگر نمایش، مستندساز صنعتی و پای ثابت محافل هنری پایتخت و رابط میان سیاست‌ورزان و هنرپردازان، فیلم‌سازی سخت مغموم و شکست‌خورده دیده می‌شود که به امید تغییر سینمای مضمحل و بی‌ساختار وطنی وارد گود می‌شود و در مجلس اول جز پس‌گردنی از سه طرف (صاحب مجلسان فیلمفارسی، نظامیان اهل مجوز که بی‌اجازه‌شان آب نمی‌شد خورد و منتقدان اهل تسویه‌حساب) دریافت نکرد.

در حقیقت، توقیف «جنوب شهر» با مدنظرگرفتن اهداف غفاری برای ایجاد یک «سینمای ملی» متکی به زندگی مردم کوچه و بازار، امکان پیوند اجتماع با سینما را عملاً به تعویق انداخت. تمایل غفاری به نمایش «امر واقع» به‌جای «روای کاذب» فیلمفارسی که از گرایش «چپ فرانسوی» او مایه می‌گرفت هم بوی ناخوشایند «توده‌ای‌بودن» را به مشام مقامات امنیتی رساند و هم دست‌اندرکاران فیلمفارسی را متوجه احتمال پدیدآمدن صدایی تازه کرد.

